



Supporting Victims in the Criminal Justice Process

Ammar Absalan

PhD. Student in Criminal law and criminology, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

Ali Janipour

Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran (Corresponding Author).

Email: janipour_max@yahoo.com

Rahim Ekrami

Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

Abstract

Since victimization has emotional, physical, financial, psychological, and social consequences, The intended support must also be comprehensive and cover all effects. Victims in the process of various criminal justice systems, along with other actors, need legal support in order not to be sidelined and to achieve their lost rights, along with other necessary support. This research is descriptive, analytical and uses a case-finding method, and raises the question of what extent the Criminal Procedure Code approved in 2013 has provided the necessary legal protection for the victim based on secondary or supportive victimology at different stages of the proceedings? The research aims to analyze and analyze legal protections in the Iranian legal system, with the priority of the Criminal Procedure Code approved in 2013 with subsequent amendments, which is the Code of Criminal Procedure in force in the Iranian legal system. Considerable legal protection for victims during the preliminary investigation stage includes the recognition of the victim's status in Articles 10, 11, and 12 of the Criminal Procedure Code, the right to access the criminal justice system, the possibility of claiming compensation, free support in detecting crimes, etc. During the trial stage, he mentioned the right to have more lawyers, to demand damages and blood money without the requirements of legal cases, to interfere with the public or private nature of the proceedings, etc., and during the execution stage, he mentioned the permanence of the victim's private rights in the event that the prosecution is suspended, the priority of receiving damages over criminal compensation, and interference in the execution process of the verdict, etc. In addition, the lack of mandatory appointment of a lawyer for victims and defendants at different stages of the trial, depending on the type of crime, the lack of free community support that covers all litigation costs for victims to fully recover private losses suffered by victims and defendants, and the inability to retry the trial from final decisions to the detriment of the victim are also challenges in this area.

Keywords: Crime, Victim, Procedure, Supportive Victimology



حمایت از بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی کیفری

عمار آب‌سالان

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، ایران

علی جانی‌پور

استادیار گروه حقوق واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

Email: janipour_max@yahoo.com

رحیم اکرامی

استادیار گروه حقوق واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، ایران

چکیده

از آنجاکه بزه‌دیدگی آثار احساسی، فیزیکی، مالی، روانی و اجتماعی به دنبال دارد، حمایت‌های مورد نظر نیز باید جامع و پوشش‌دهنده همه آثار باشد، بزه‌دیدگان در فرایند نظام‌های مختلف عدالت کیفری در کنار سایر کنشگرها، پدیده جنایی برای به کنار کشیده نشدن و دستیابی به حقوق اذدست‌رفته خود در کنار سایر حمایت‌های لازم، نیازمند حمایت حقوقی است. این پژوهش، توصیفی تحلیلی و به روش فیش‌برداری بوده و با طرح این سؤال که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تا چه حد در مراحل مختلف دادرسی، حمایت‌های حقوقی لازم را برای بزه‌دیده بر مبنای بزه‌دیده‌شناسی دومین یا حمایتی پیش‌بینی کرده است؟ پژوهش بر این است که به واکاوی و تحلیل حمایت‌های حقوقی در نظام حقوقی ایران با اولویت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی بپردازد که قانون آیین دادرسی لازم‌الاجرا در نظام حقوقی ایران است که از حمایت‌های حقوقی قابل توجه در مرحله تحقیقات مقدماتی از بزه‌دیدگان می‌توان به پذیرش جایگاه بزه‌دیده در مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری، حق دسترسی به نظام عدالت کیفری، امکان مطالبه خسارت، حمایت رایگان در کشف جرم و ... در مرحله محاکمه حق داشتن وکلای بیشتر، مطالبه خسارت و دیه بدون الزامات پرونده‌های حقوقی، دخالت در علنی یا غیرعلنی شدن دادرسی و در مرحله اجرای حکم به ماندگاری حقوق خصوصی بزه‌دیده در فرض موقوف شدن تعقیب، تقدم دریافت ضرر و زیان از تأمین کیفری و دخالت در فرایند اجرای حکم و ... نام برد.

کلیدواژه‌ها: جرم، بزه‌دیده، آیین دادرسی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی



مقدمه

بزه‌دیده را در تعریفی ساده و درعین‌حال جامع و مانع می‌توان، شخصی دانست که در اثر فعل زیان‌بار انسانی دیگر که به تعبیر حقوق جزا، جرم نام دارد، دچار هر نوع صدمه اعم از صدمه جسمی، معنوی، مالی یا روانی شود. در حقوق ایران، برای رساندن این مفهوم از عبارات متعددی چون متضرر از جرم، مجروح، مضروب، مقتول، قربانی جرم، شاکی یا مدعی خصوصی و ... استفاده می‌شود. از نظر واژه‌شناسی واژه بزه‌دیده واژه‌ای است که توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دوره پهلوی اول (۱۳۱۶) به‌عنوان معادل فارسی مجنی علیه وضع شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۲۹) و به شخصی گفته می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب یا زیان یا آزار می‌بیند واژه بزه‌دیده در نوشتگان فارسی به معنای «قربانی» به‌کار می‌رود. قربانی اعم از بزه‌دیده است و در نوشتگان علوم جنایی و جرم‌شناسی، هرگاه آسیب یا زیان یا آزار وارده بر شخصی از رفتار مجرمانه انسان دیگری برخاسته باشد؛ به فرد زیان‌دیده، قربانی جرم یا «بزه‌دیده»^۱ گویند؛ به عبارت دیگر بزه‌دیده این‌گونه تعریف شده: «بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب روانی بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود دچار شده باشد» (کرد علیوند و محمدی، ۱۳۷۹: ۹۶) با عنایت به مفاهیم فوق، گستره مفهوم بزه‌دیده را می‌توان این‌گونه بیان کرد.

بزه‌دیده با این اوصاف در کنار سایر کنشگرهای پدیده جنایی واقعیتی انکارناپذیر است و باید مورد توجه خاص باشد تا جایگاه واقعی خود را در کنار سایر عناصر پدیده موصوف پیدا نماید. در تحولات حقوق کیفری ابتدا متهم به‌عنوان کنشگر اول مورد توجه بود؛ اما از نیمه دوم قرن بیستم، گرایش به حمایت از بزه‌دیده در اثر جنبش‌های انتقادی در دل جرم‌شناسی و حقوق بشری شکل گرفت که در قالب بزه‌دیده‌شناسی دومین یا حمایتی، حمایت‌های مختلف از جمله حمایت حقوقی را مورد تأکید قرار داد که منجر به ورود این حمایت‌ها در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها شد.

1. Victim



در بیان یکی از علمای حقوق کیفری به نام عزت عبد الفتاح^۱ «حمایت از قربانیان بزه‌کاری و کمک به آنان باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه محسوب شود. تعهدات هر جامعه نسبت به بزه‌دیدگان باید از نظر اعتقادی، در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگستراند. از این رو، ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه‌دیده‌گان از آن‌ها سیراب شود، اهمیتی بسزا دارد. اگر بخواهیم اقدامات و سیاست‌های مورد نظر، علاوه بر ملاحظات بشردوستانه در مورد بزه‌دیدگان و وضعیت آنان، بر معیارهای دیگری نیز مبتنی باشد، پس لازم است پایه‌های حقوقی اجتماعی تعهدات جامعه و نیز مسئولیت بزه‌کار را نسبت به بزه‌دیده تعیین کنیم» (نجفی ابرندآبادی و خطاطان، ۱۳۷۱: ۸۹). از سوی دیگر حمایت از مظلوم و دفاع از بزه‌دیده‌ای که به ناحق مورد تعدی قرار گرفته است؛ در همه ادیان الهی، به‌ویژه در اسلام از تکالیف شرعی و از موجبات خشنودی خداوند و رستگاری بندگان شمرده شده است (توجهی، ۱۳۸۳: ۶۱۶).

بزه‌دیدگان به صورت کلی برای جبران آسیب‌ها و صدمه‌های احساسی (عاطفی و حیثیتی)^۲، «فیزیکی»، «مالی»^۳، «روانی و پزشکی»^۴ و «اجتماعی»^۵ خود نیازمند حقوقی هستند، تا بتوانند از این طریق به وضعیت سابق خود برگردند. این حقوق در قالب حمایت حقوقی تبلور می‌یابد که از آن به پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق این حقوق و برآورد کردن نیازهای بزه‌دیدگان به‌ویژه جبران خسارت یا تسهیل آن در فرایند جنایی [یاد می‌شود] و از آنجاکه این حقوق معمولاً در قوانین آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته می‌شود، از آن‌ها می‌توان به «سازوکارهای مبتنی بر آیین دادرسی» نیز یاد کرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴). البته ناگفته نماند در کنار قوانین آیین دادرسی این حقوق در مواردی در قوانین ماهوی نیز پیش‌بینی می‌شود همچنان‌که در بعضی موارد در قوانین شکلی، با جرم‌انگاری، مجازات تعیین

1. Fattah

2. Emotional and Reputation Support

3. Financial Protection

4. Medical Protection

5. Social Protection

می‌شود، از جمله مواد ۵۳ و ۶۳ که به لحاظ پراکندگی، قصد ورود به قوانین ماهوی و یا بالعکس شکلی در مورد موضوع اخیر را نداریم.

رویکرد حمایت از حقوق بزه‌دیده از دیدگاه شکلی، به‌طور کلی دو هدف را دنبال می‌کند. نخست، مراقبت از کرامت افراد و حقوق انسانی آنان و دوم، تقویت و تحکیم جایگاه بزه‌دیده همچون کنشگری فعال در فرایند کیفری (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰: ۳). «حمایت»^۱ واژه‌ای عربی است که عیناً با حفظ معنای اصلی خود به زبان فارسی راه‌یافته است. معادل‌های فارسی آن عبارت است از: پشتیبانی کردن، نگاهبانی کردن و دفاع کردن از کسی، پشتیبانی، نگاهبانی، حفاظت (معین، ۱۳۸۴: ۴۱۵).

اگرچه معادل‌های فارسی واژه حمایت، به‌معنایی که از آن در این پژوهش مدنظر است، نزدیک هست؛ اما می‌توان گفت، هرگونه تمهید و اقدام برای پاسداری از حقوق مختلف بزه‌دیده و احقاق و اعاده حقوق از دست‌رفته وی حمایت به شمار می‌آید.

حمایت، با وجود نسبی بودن مفهوم آن که می‌تواند طیف وسیعی از اقدامات را از جنبه‌های مختلف، جهت احقاق حقوق بزه‌دیده در برگیرد؛ اما برخی از جنبه‌ها و زوایای آن برجستگی بیشتری داشته و مورد توجه دانشمندان علوم جنایی به‌ویژه در رشته بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یا دومین^۲ قرار گرفته است و همچنان که روشن است، بزه‌دیدگان برای این که بتوانند، به عدالتی متناسب در جهت جبران آسیب‌های مختلف ناشی از جرم دست یابند و در جهت جبران و رفع آسیب‌ها و زیان‌های وارده به خود اقدام کنند، نیازمند برخورداری از حقوقی در فرایند جنایی‌اند. حمایت حقوقی را می‌توان ایجاد سازوکارهای دستیابی و یا روان‌سازی رسیدن به حقوق بزه‌دیدگان به‌ویژه جبران خسارت دانست. «بدیهی‌ست که این‌گونه حمایت به‌طور معمول در سطح سیاست جنایی رسمی و دولتی مصداق پیدا می‌کند، زیرا پیش‌بینی و تصویب چنین قانون‌ها و مقرره‌هایی در انحصار حاکمیت است» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۶۶).

1. Protection/Support

2. Supporting or Secondary Victimization



جنبه جدید و نوآوری در تحقیق

اگرچه در باب بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌های متعددی به‌عنوان جنبه‌ای از عدالت ترمیمی نگارش شده است، اما تاکنون تحقیق جامع و کاملی که هم به‌تمامی مصادیق و نمودهای آن در قوانین خاص در کنار قوانین عام و جنبه‌های مادی و غیرمادی آن و نیز تطبیق با استانداردهای مندرج در اسناد بین‌المللی پرداخته باشد، صورت نگرفته است و از این حیث خواننده با ابهامات متعدد مواجه می‌شود. در این پژوهش، تلاش براین است، در کنار قوانین عام آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی، قوانین خاص از قبیل قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و بزه‌دیدگان ناشی از آن و سایر مصادیق و نیز حمایت‌های غیرمادی، پزشکی و حقوقی در کنار حمایت‌های مادی از بزه‌دیدگان به‌صورت کامل بررسی شود و ضمن برشماری مهم‌ترین مصادیق و نمودهای حمایتی از بزه‌دیدگان در اسناد بین‌المللی، تبیین می‌شود که تا چه میزان حمایت‌های مندرج در قوانین ایران از بزه‌دیدگان با استانداردهای بین‌المللی مطابقت دارد؛ در این میان به چالش‌های عملی فراروی حمایت از بزه‌دیدگان پرداخته خواهد شد و از این حیث این تحقیق واجد نوآوری بوده و می‌تواند مورد استفاده کاربران تقنینی، حقوقی و قضایی قرار گیرد؛ به بیان دیگر نوآوری و جدید بودن این پژوهش در دو بند ذیل خلاصه می‌شود:

۱. توجه به قوانین خاص غیر از قوانین عام آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی؛ مانند: قانون تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن؛

۲. توجه به همه جنبه‌های حمایت غیر از حمایت‌های معمول مادی، پزشکی و بعضاً حقوقی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی مانند عاطفی و حیثیتی، روانی و اجتماعی.

بنابراین با توجه به توضیحات ارائه شده، حمایت حقوقی^۱، شاید خود نتواند مستقیماً موجب احقاق حقوق بزه‌دیده باشد؛ اما ساده و روان‌سازی فرایند دستیابی به حقوق، آنان را

نسبت به احقاق حقوق از دست رفته ناشی از جرم امیدوار، تحمل آسیب‌های عاطفی را برای آنان ساده‌تر و در نهایت در صورت تداوم در همه مراحل دادرسی کیفری، موجب اعاده حقوق به‌ویژه جبران خسارت می‌شود. در ادامه به بررسی موارد مربوط می‌پردازیم. بررسی حقوقی بزه‌دیده مظلوم و بزه‌دیده مقصر به یکی از موضوعات مهم در حقوق کیفری و فلسفه حقوقی تبدیل شده است. در این زمینه، مفاهیم و اصول مختلفی برای شناسایی، ارزیابی و حمایت از بزه‌دیده‌ها مطرح می‌شود که نیاز به دقت و توجه ویژه دارند.

۱. چهارچوب مفهومی

۱-۱. بزه‌دیده مظلوم (Innocent Victim)

بزه‌دیده مظلوم فردی است که بدون اراده یا تقصیر خود مورد آسیب و ظلم قرار می‌گیرد. در اینجا، شخص بدون هیچ‌گونه نقشی در وقوع جرم، قربانی می‌شود و حمایت‌های حقوقی باید به‌طور کامل به او تعلق گیرد. در حقوق کیفری، حمایت از بزه‌دیده مظلوم عمدتاً براساس اصول انسانی و عدالت پایه‌ریزی شده است و هدف از آن جبران خسارت و آسیب‌دیدگی فرد است ویژگی‌های بزه‌دیده مظلوم عبارت‌اند از:

- ❖ عدم مشارکت در وقوع جرم؛
- ❖ جبران خسارت‌های مالی، جسمی و روحی ناشی از جرم؛
- ❖ حمایت‌های قانونی از جهت رفع اثرات منفی جرم و کمک به بازسازی وضعیت قبلی.

۱-۲. بزه‌دیده مقصر (Victim with Partial Responsibility)

بزه‌دیده مقصر فردی است که به‌نحوی در وقوع جرم دخالت یا مشارکت داشته است؛ اما به‌طور کامل مسئول وقوع جرم نیست. این فرد ممکن است در شرایطی قرار گیرد که با رفتار خود به‌طور غیرمستقیم باعث وقوع جرم شده باشد یا خود به‌نوعی در ارتکاب جرم نقشی



داشته باشد ولی مسئولیت کامل به عهده مرتکب جرم است ویژگی‌های بزه‌دیده مقصر عبارت‌اند از:

- ❖ مشارکت یا دخالت غیرمستقیم در وقوع جرم؛
- ❖ کاهش یا محدود شدن حمایت‌های حقوقی به دلیل سهم مقصر بودن در وقوع جرم؛
- ❖ احتمال وقوع کاهش مجازات برای مرتکب جرم براساس وجود شرایط خاص و اثرات کاهش‌دهنده بر مسئولیت کیفری.

۱-۳. حمایت از بزه‌دیده‌ها: برابر یا متفاوت؟

این پرسش که آیا حمایت از بزه‌دیده مظلوم و بزه‌دیده مقصر باید برابر باشد یا متفاوت، بستگی به اصول حقوقی و فلسفی مورد استفاده در یک نظام حقوقی خاص دارد. در بسیاری از سیستم‌های حقوقی، حمایت از هر دو دسته بزه‌دیده‌ها باید متفاوت باشد.

حمایت از بزه‌دیده مظلوم: حمایت قانونی از بزه‌دیده مظلوم به‌طور معمول بیشتر و قوی‌تر است؛ زیرا هیچ سهمی در وقوع جرم ندارد و حقوق او باید به‌طور کامل جبران شود. این حمایت می‌تواند شامل جبران خسارت، حمایت‌های اجتماعی و روانی و اجرای تدابیر بازتوانی باشد.

حمایت از بزه‌دیده مقصر: در مورد بزه‌دیده مقصر، حمایت‌ها ممکن است به میزان کمتری صورت گیرد؛ چراکه این فرد به‌نوعی در وقوع جرم دخالت داشته است. در این موارد، نظام‌های حقوقی ممکن است برخی از حمایت‌های عمومی مانند جبران خسارت را محدود کنند و درعین‌حال از نظر اخلاقی یا قضائی برخی از مسئولیت‌های فرد مقصر را به‌طور جزئی مورد بررسی قرار دهند.

در نهایت، بسیاری از نظام‌های حقوقی به‌ویژه در کشورهای اروپایی یا مناطقی که به حقوق بشر اهمیت زیادی می‌دهند، تلاش می‌کنند تا از هر دو دسته بزه‌دیده حمایت کنند؛ اما میزان و نوع حمایت‌ها متفاوت است.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که حمایت از بزه‌دیده‌ها باید با توجه به وضعیت آن‌ها و نقششان در وقوع جرم تنظیم شود. بزه‌دیده مظلوم به‌طور کامل و بدون هیچ‌گونه تقصیر از حمایت‌های قانونی برخوردار است؛ درحالی‌که حمایت از بزه‌دیده مقصر باید محدودتر و با توجه به میزان تقصیر او در نظر گرفته شود. به‌همین دلیل، حمایت از این دو دسته برابر نخواهد بود؛ بلکه به نسبت شرایط و اصول اخلاقی و حقوقی سامانه قضائی متفاوت خواهد بود.

از پیشگامان رشته علمی اخیر بنیامین مندلسون (Benyamin Mendelson) و هانس فون هنتیگ (Hans Von Hentig)، می‌توان نام برد که نظریات خود را در قالب کتاب یا مقاله مطرح کرده‌اند، با این توضیح که طبقه‌بندی بزه‌دیدگان بر مبنای نقش آن‌ها در ارتکاب جرم از سوی بنیامین مندلسون شامل پنج دسته از جمله: بزه‌دیده کاملاً بی‌گناه یا ناآگاه، بزه‌دیده با حداقل تقصیر، بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه همسان یا بزه‌دیده آگاه، بزه‌دیده که بیش از بزه‌کار یا به‌تنهایی مقصر بوده و بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه تام است.

طبقه‌بندی‌های مندلسون از بزه‌دیدگان براساس معیارهای مختلف از جمله معیار تقصیر و مسئولیت ارائه شد که در قالب پنج گروه در مقاله با عنوان «افق‌های نوین زیستی، روانی و اجتماعی: بزه‌دیده‌شناسی» در سال ۱۹۴۷ در کنگره انجمن روان‌شناسی رومانی ارائه شد:

۱. بزه‌دیدگان کاملاً بی‌گناه مثل کودکان بزه‌دیده؛
۲. بزه‌دیدگان با کمینه تقصیر مثل بزه‌دیدگان محرکه؛
۳. بزه‌دیدگان با مسئولیت همسان با مجرم؛ مثل قتل از روی ترحم (اتانازی/ Euthanasia)؛
۴. بزه‌دیدگانی که بیش از بزه‌کار یا به‌تنهایی مقصرند؛ مثل بزه‌دیده‌ای که خود عمداً با مواعی که دیگران به‌صورت غیرمجاز در مسیر او ایجاد کرده‌اند، برخورد می‌کند و می‌میرد؛
۵. بزه‌دیدگان با مسئولیت مجرمانه تام؛ مثل بزه‌دیده متجاوز که در مقام دفاع مشروع توسط مدافع کشته می‌شود (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۳).



پیشگام دیگر بزه‌دیده‌شناسی اولیه یا علمی هانس فون هنتیک دانشمند آلمانی تبار آمریکایی است وی در سال ۱۹۴۸ در کتاب خود با عنوان «بزهکار و قربانی او» مفاهیم بنیادین بزه‌دیده‌شناسی علمی یعنی مفهوم «بزهکار - بزه‌دیده»، «بزه‌دیده پنهان» و «رابطه خاص» «بزهکار- بزه‌دیده» را مطرح کرد (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۵۴).

قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تقصیر بزه‌دیده را در چهارچوب نهادهایی مثل دفاع مشروع، تحریک، رضایت، اقدام علیه خود و تصادم که با هدف تعدیل مسئولیت کیفری مرتکب و برقراری عدالت کیفری تناسبی وضع گردیده‌اند، مورد توجه قرار داده است و بیشترین میزان بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی بر سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو حقوق کیفری را می‌توان در چهارچوب مقررات بند (ب) ماده ۳۸ «رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده»، بند (ج) ماده ۴۳ «خودداری از ارتباط و معاشرت (بزهکار) با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه» و بند ۴ ماده ۸۸ «جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه» قانون مجازات اسلامی ارزیابی کرد (رحیمی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۸۶).

این وضعیت یعنی لحاظ تقصیر بزه‌دیده برای تعدیل مسئولیت بزهکار بوده و در قوانین ماهوی مورد حکم مقنن قرار گرفته و در راستای حمایت از بزه‌دیده نیست که بر مبنای بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است؛ ضمن این‌که حمایت کیفری تشدید و افتراقی نسبت به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در قوانین ماهوی نظام حقوقی ایران نیز بر مبنای بزه‌دیده‌شناسی دومین یا حمایتی است.

شایان ذکر است که حمایت‌های بزه‌دیده‌شناسانه فقط در مورد بزه‌دیدگان مستقیم یا آشکار بوده و همین وضعیت - یعنی عدم وضع مقررات حمایتی - در مورد بزه‌دیدگان غیرمستقیم جرائم در برابر بزه‌دیدگان مستقیم که بزه‌دیده آشکار است وجود دارد که بزه‌دیدگی دیده نمی‌شود و نوعی بزه‌دیده پنهان محسوب می‌شود که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی است. با مطالعه قوانین و مقررات داخلی ملاحظه می‌شود که با وجود

آن آثار متعدد، از سایر افراد خانواده که به‌طور غیرمستقیم بزه‌دیده رفتارهای نابهنجار بزهکار می‌گردند، حمایتی صورت نگرفته است (حاجی ده آبادی و یوش، ۱۳۹۵: ۲۳).

بنابراین می‌توان، این چنین نتیجه گرفت که حمایت از بزه‌دیده بر مبنای بزه‌دیده‌شناسی دومین یا حمایتی قابل بحث است؛ اما تقصیر بزه‌دیدگان، صرف‌نظر از نوع آن موجب از بین رفتن حمایت‌های شکلی یا آیین دادرسی موجود برای بزه‌دیده نبوده و در فرض اثبات تقصیر برای بزه‌دیده با لحاظ نوع آن در راستای بزه‌دیده‌شناسی اولیه یا علمی، این موضوع می‌تواند در تعدیل مسئولیت کیفری بزهکار براساس مقررات ماهوی مؤثر باشد و نافی حمایت‌های حقوقی شکلی (آیین دادرسی) بر مبنای بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نیست.

۲. حمایت‌های حقوقی از بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی

با توجه به حساسیت و اهمیت دادرسی‌های کیفری، مرحله بدوی این دادرسی‌ها خود در دو مرحله کاملاً متمایز از هم یعنی مرحله دادرسی یا همان تحقیقات مقدماتی و مرحله محاکمه در دادگاه انجام می‌شود. این تفکیک از خصایص نظام تفتیشی است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۸/۲). تحقیقاتی مقدماتی که در فرایند کیفری معمولاً توسط دادرسی انجام می‌شود، گرچه مواردی از قبیل تحقیقات مقدماتی اطفال، جرائم درجه هفت و هشت و جرائم منافی عفت وجود دارد که این تحقیقات مستقیماً در دادگاه صالح انجام می‌شود. تحقیقات مقدماتی دربرگیرنده مراحل کشف، تعقیب و تحقیق هست و به جهت نزدیک بودن به زمان وقوع بزه از جهت تشکیل و تهیه پرونده و جمع‌آوری ادله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به جهت نزدیکی این مراحل نسبت به هم ذیل عنوان کلی تحقیقات مقدماتی و به ترتیب مندرج در مواد قانونی بررسی می‌شوند.



۳. پذیرش رسمی جایگاه بزه‌دیده

حق بزه‌دیده در سمت «بزه‌دیدگی»^۱، در مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده است که اولین و مهم‌ترین آن‌ها ماده ۱۰ بوده است که با پذیرش عنوان بزه‌دیده که در قانون سابق وجود نداشت.^۲ مواد ۱۱ و ۱۲ قانون آیین دادرسی نیز در راستای همین پذیرش جایگاه درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی در جرائم غیرقابل‌گذشت را با این بیان به شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد واگذار کرده است، ضمن این‌که در جرائم قابل‌گذشت، شروع و موقوفی تعقیب را فقط با اراده شاکی دانسته است.

این‌که بزه‌دیده در فرایند کیفری مورد توجه باشد ضروری است؛ چراکه «شناخته شدن همچون بزه‌دیده جرم، ابتدایی‌ترین حقی است که بزه‌دیده از جامعه طلب می‌کند و اگر این حق را برای بزه‌دیدگان خاص ایجاد کنیم، ضمن تشویق آن‌ها به دادخواهی حقوق از دست‌رفته خود نزد مراجع کیفری، می‌توانیم به اصلاح مفاسد و معایب مکتم جامعه نیز بپردازیم» (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰: ۱۰).

۴. حق دسترسی به نظام عدالت کیفری و درخواست تعقیب

دسترسی به نظام عدالت کیفری یکی از حقوق بزه‌دیده بوده که براساس مقررات آیین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری موظف به قبول شکایت کتبی و شفاهی شده‌اند؛ به لحاظ این‌که ارتباط نظام عدالت کیفری با بزه‌دیده، ابتدا از طریق پلیس که در نظام حقوقی ایران ضابط دادگستری نام دارند برقرار می‌شود، پذیرش شکایت کتبی و شفاهی شاکی از جانب آن‌ها مورد تأکید مقنن بوده و در ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده که: «ضابطان دادگستری موظف‌اند شکایت کتبی یا شفاهی را همه‌وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته

1. Victimization

۲. «بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود».

باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلف‌اند، پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به‌فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند». پذیرش شکایت شفاهی و کتبی در نظام عدالت کیفری ایران از جانب ضابطین دادگستری در ماده پیش‌گفته و مقام قضایی در ماده ۶۹ همین قانون پیش‌بینی در حالی که در بعضی کشورها از جمله فرانسه، ارائه شکایت به صورت کتبی به مقام قضایی یا ضابطین دادگستری ضروری است (لارگیه، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

اگرچه الزامی بودن و مقتضی بودن تعقیب به‌عنوان دو گرایش در آیین دادرسی کیفری مورد نظر است؛ اما در بعضی موارد از جمله زمانی که بزه‌دیده درخواست تعقیب دارد به‌ویژه در جرائم قابل گذشت، مقام تعقیب ملزم به تعقیب بوده و نمی‌تواند تعقیب را متوقف کند؛ چراکه در بند الف ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، شکایت شاکی یا مدعی خصوصی از جهات قانونی شروع به تعقیب است و توقف تعقیب نیز صرفاً با گذشت شاکی ممکن است؛ چراکه در این نوع جرائم، قانون اجازه شروع تعقیب را به مقام قضایی و ضابطین نداده است؛ جز با اعلام شکایت شاکی یا مدعی خصوصی و تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده و همچنین اجرای مجازات متوقف نمی‌شود، مگر با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی که در ماده ۱۳ قانون پیش‌گفته توسط مقنن مقرر شده است.

با این اوصاف براساس اصل الزامی بودن تعقیب، مقام تعقیب نمی‌تواند، با اختیار خود و بدون تصریح قانون‌گذار از تعقیب اشخاصی که متهم می‌شوند و تعقیب آن‌ها بر مبنای شکایت شاکی یا اعلام جرم نهادهای مردم‌نهاد در مورد بزه‌دیدگان خاص شروع می‌شود، خودداری کند؛ چراکه متوقف شدن تعقیب براساس اصل الزامی بودن تعقیب بدون تصریح مقنن و موارد قانونی متوقف نمی‌شود و ضمانت عدم انجام این وظیفه قانونی یا جلوگیری از این امر، موادی از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی از جمله مواد ۵۷۰ و ۵۷۶ ذیل فصل دهم قانون موصوف تحت عنوان «تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی» است که با دامنه شمول متفاوت، این موضوع را جرم‌انگاری و قابل مجازات اعلام کرده با این توضیح که ماده ۵۷۰ کلی‌تر و ماده ۵۷۶ محدود و خاص‌تر است.



ماده ۵۷۰: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

ماده ۵۷۶: «چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند، از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضائی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد، جلوگیری کند به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

۵. حق حمایت رایگان در کشف جرم و رسیدگی

این حق به معنای حمایت نظام عدالت کیفری از بزه‌دیده از طریق عدم تحمیل هزینه‌های دادرسی بر وی دارد. رایگان بودن هزینه‌های موجود در نظام عدالت کیفری برای بزه‌دیده اعم از هزینه انجام وظیفه ضابطان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، نوعی حمایت حقوقی بزه‌دید شناسانه است که با ممنوعیت تحمیل آن‌ها تحت هر عنوان بر بزه‌دیده به موجب ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است. «بنابراین تحمیل هزینه‌های دادرسی بر بزه‌دیده که یکی از مهم‌ترین موانع دسترسی عدالت کیفری است، صحیح نیست و به هیچ وجه با نظریه‌های حاکمیتی دولت در این باب و رهیافت‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی سازگار نیست» (میر کمالی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

شایان‌ذکر است که این حمایت حقوقی یعنی رایگان بودن اقدامات نظام عدالت کیفری صرفاً محدود به مرحله کشف جرم نبوده و در سایر مراحل اعم از تحقیق، تعقیب و محاکمه نیز وجود دارد چراکه در ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، این حمایت ادامه یافته و در

زمان طرح شکایت با وجود الزام شاکی به پرداخت هزینه دادرسی چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، توسط دادستان یا دادگاهی رسیدگی کننده از پرداخت هزینه شکایت معاف می شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه اختیار دارد او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف کند.

حمایت حقوقی از طریق رایگان بودن هزینه دادرسی در آیین دادرسی مدنی به موجب تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی برای افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی^(۹) و مددجویان مستمری بگير سازمان بهزیستی کشور پیش بینی شده که به لحاظ قابلیت اجرای مقررات قانون موصوف در آیین دادرسی کیفری در صورت سکوت قانون در مواردی که افراد ملزم به پرداخت هزینه دادرسی در شمول یکی از عناوین موصوف باشند از پرداخت هزینه دادرسی معاف می گردند و در مورد بزه دیدگانی که مشمول این عناوین باشند، این حمایت حقوقی قابل تسری است. استفاده از این معافیت فقط منوط به ارائه کارت مددجویی و تأییدیه رسمی از مراجع است.

البته باید گفت به لحاظ حساسیت دادرسی کیفری، حمایت اصلی پیش بینی شده این است که در قسمت آخر ماده ۵۵۹ مورد تأکید قرار گرفته این است که عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی، رسیدگی کیفری را به تأخیر نمی اندازد و در تبصره همین ماده وصول هزینه ها را در صورتی مجاز دانسته که محکوم به از مستثنیات دین نبوده و به میزانی نباشد که موجب خروج محکوم له از اعسار شود.

ضمن این که موضوع قابل ایراد در راستای حمایت حقوقی از بزه دیده این است که معافیت از پرداخت هزینه موضوع ماده ۵۶۰ ابتدا در مورد بزه دیده پذیرفته نشده و فقط در تبصره به صورتی استثنایی و به تشخیص مقام قضایی اگر شاکی قادر به پرداخت هزینه ها نباشد از اعتبارات قوه قضائیه قابل پرداخت اعلام شده است که در راستای حمایت حقوقی، تعمیم معافیت ها به بزه دیده به عنوان اصل ضروری است؛ چراکه در مورد بزه دیده این معافیت پذیرفته نشده و در صورت عدم پرداخت در پایان دادرسی از طریق اجرای احکام مدنی، با



توقیف و فروش اموال شاکی، با رعایت مستثنیات دین، معادل هزینه پرداخت‌شده اخذ و به حساب مربوط در خزانه‌داری کل واریز می‌شود.

۶. پذیرش امکان مطالبه خسارت در فرایند کیفری

براساس تشکیلات نظام حقوقی ایران، رسیدگی به موضوع‌های حقوقی به دادگاه‌های حقوقی واگذار شده اما بزه‌دیده که در فرایند کیفری متحمل ضرر زیان ناشی از جرم بوده می‌تواند در فرایند کیفری علاوه بر درخواست تعقیب به‌عنوان شاکی از جهت حیثیت خصوصی جرم، جبران تمامی ضرر و زیان‌های مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند که در این صورت، شاکی، عنوان مدعی خصوصی دارد.

این حق مطالبه ضرر و زیان به‌موجب مواد ۱۴ الی ۱۷ قانون آیین دادرسی مد نظر قانون‌گذار قرار گرفته و علی‌رغم امکان مطالبه ضرر و زیان در دادگاه کیفری به انضمام پرونده کیفری، این مطالبه و شیوه رسیدگی آن تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی بوده و بزه‌دیده پس از شروع تعقیب باید رونوشت ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده کیفری به مرجع تعقیب تحویل و تا قبل از ختم دادرسی در دادگاه، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. در مراجع قضاوتی کیفری همین تعریف در مورد اقدامات دادگاه از زمان ارجاع پرونده تا صدور رأی صدق می‌کند؛ به‌بیان‌دیگر تشکیل جلسه دادگاه، صدور دستور تعیین وقت، احضار نماینده دادستان، احضار طرفین و شهود، صدور قرارهای تمهیدی در شمول دادرسی به این معنا قرار می‌گیرد.

در مقابل دادرسی به مفهوم اخص، رسیدگی مرجع قضاوتی به دعوا یا امر مطروحه، یعنی ادعاها، ادله، استدلالات و خواسته خواهان در جهت صدور رأی قاطع است (شمس، ۱۳۹۴: ۱۱۲). البته فقط در مورد یک گروه از بزه‌دیدگان که بزه‌دیدگان ناشی از جرائم نیروهای مسلح بوده با شرایط خاصی، مطالبه خسارت را بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی پذیرفته است که در بخش‌های آتی این پژوهش، از این موضوع صحبت می‌شود، چراکه هر نوع درخواست رسیدگی در امور حقوقی و در دادگاه‌های حقوقی به‌موجب ماده ۴۸ قانون

آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مستلزم تقدیم دادخواست با شرایط ماده ۵۱ قانون موصوف است.

علاوه بر موارد پیش گفته در مورد مطالبه خسارت، به موجب مواد ۳۸ و ۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری مکلف شده‌اند، شاکی را از حق درخواست جبران خسارت آگاه کرده و اظهارات شاکی را در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم در گزارش خود به مرجع قضایی ذکر کنند.

۷. حق بزه‌دیده بر مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد

در قانون جدید برای نخستین بار است که «سازمان‌های مردم‌نهاد» نه صرفاً به عنوان اعلام‌کننده جرم بلکه از اختیارات فراتر برخوردار هستند» (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۱۸/۱). پذیرش دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری، حق جدید و بدون سابقه‌ای در قوانین سابق است که در پرتو گرایش‌های بزه‌دیده شناسانه و سیاست جنایی مشارکتی در قانون جدید مورد نظر مقنن قرار گرفته است و این حق بزه‌دیده برای سازمان‌های مردم‌نهاد دارای تکلیف اعلام جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی است. ضمن این‌که این سازمان‌ها باید برای انجام این کارها باید اخذ مجوز کرده و ضمانت اجرای عدم موفقیت این سازمان‌ها و رد شدن قطعی اعلام جرم آن‌ها برای سه بار متوالی محاکم صالح موجب محرومیت یک‌ساله از حق اعلام جرم می‌شوند.

شیوه اقدام سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در مورد بزه‌دیدگان عام و بزه‌دیدگان خاص به صورت جداگانه در اصل ماده ۶۶ و تبصره ۱ ماده مذکور از قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است.

دخالت این سازمان‌ها و اعلام جرم آنان در راستای حمایت از بزه‌دیده بوده هرچند که دخالت آن‌ها به موجب قانون دارای محدودیت‌های از جمله ضرورت اخذ رضایت از بزه‌دیده خاص یا ولی او نیز است.



البته بزه‌دیده فاقد ولی یا قیم نیازمند حمایت و دخالت مستقیم دادستان باشد که در مواد ۷۰ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در سه حالت مختلف مقرر شده است یا به تعبیر دیگر «وضعیت‌هایی وجود دارد که بزه‌دیده توان یا امکان طرح شکایت ندارد و در صورت عدم حمایت، حق دادرسی وی نادیده گرفته می‌شود. در قانون جدید بیشتر از گذشته به این وضعیت توجه شده است» (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

مداخله دادستان در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه‌دیده، محجور است و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد برای به تأخیر نيفتادن تعقیب کیفری، از طریق تعیین قیم موقت اقدام می‌کند و یا خود رأساً امر کیفری را تعقیب می‌کند. این حکم در مواردی که بزه‌دیده ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد قابل اجراست.

البته این وضعیت در مورد افراد سفیه فقط در امور کیفری که جنبه مالی دارند اجرا می‌شود و در غیر امور مالی، سفیه می‌تواند رأساً اقدام کند.

علاوه بر موارد پیش‌گفته در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است و بزه‌دیده طفل یا مجنون است و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نمی‌کند، دادستان موضوع را تعقیب کرده و در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، اقدامات قانونی از سوی دادستان با جلب موافقت بزه‌دیدگان تعقیب می‌شود که در راستای حکم قانون، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز با موافقت دادستان انجام می‌شود.

۸. حق بزه‌دیده برای پذیرش قرار گرفتن در مسیرهای غیررسمی برای جبران آسیب‌ها

بزه‌دیده به موجب ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری در فرایند کیفری می‌تواند با پذیرش درخواست متهم از طریق مقام قضایی در فرایند سازش و میانجی‌گری قرار گیرد تا با اعمال این حق از رهگذر عدالت ترمیمی بتواند به جبران خسارت دست یابد.

هرچند این گونه‌های سازش و میانجی‌گری توسط مقام قضایی ارجاع می‌شود؛ اما در آن‌ها فقط طرفین اعم از بزه‌دیده، متهم و نهادهای اجتماعی شرکت داشته که مصداق بارز عدالت ترمیمی برای جبران خسارت بزه‌دیده است.

مقام قضایی صالح برای قرار دادن پرونده با درخواست و موافقت طرفین در فرایند عدالت ترمیمی از طریق سازش و میانجی‌گری صرفاً در پرونده‌های در صلاحیت دادسرا و با کیفرخواست صرفاً دادستان به عنوان مقام تعقیب و سایر مقام‌های قضایی که در مقام تعقیب بوده و بازپرس به عنوان مقام تحقیق، اختیار درخواست این موضوع و همچنین تعلیق تعقیب را از دادستان دارد.

۹. حق بزه‌دیده بر رد مقام تعقیب و تحقیق

در دادسراها، قضات هیئت واحدی بوده و اقدام هریک از آنان به نام شخصیت حقوقی دادسرا است و گفته شده «شخصیت حقوقی دادسرا طرف دعوا به شمار می‌آید و از این حیث قابل رد نیست» (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۹۴) و اگرچه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در بخش تحقیقات مقدماتی در مورد قضات دادسرا اعم از دادستان، بازپرس، دادیار و معاون دادستان مقرراتی پیش‌بینی نشده و شاید این شائبه پیش آید چون قضات دادسرا که در کنار دادستان هیئت واحد هستند و به عنوان مدعی‌العموم در دعوای عمومی یک طرف دعوا هستند، قبل رد نیستند؛ اما موضوع رد دادرس ذیل فصل هشتم از ماده ۴۲۱ الی ۴۲۵ مورد تقنین قرار گرفته است و ماده ۴۲۴ در مورد قضات دادسرا تعیین تکلیف نموده است و قضات دادسرا نیز قابلیت رد دارند و در صورت رد قضات، قرار رد



صادر می‌شود. با این اوصاف در حقوق ایران در قوانین اسبق و فعلی، در مورد قضات دادرسا امکان، اظهار رد وجود داشته درحالی‌که در حقوق کشوری مانند فرانسه، دادستان رد شدنی نیست (لارگیه، ۱۳۷۸: ۵۵).

۱۰. حق بزه‌دیده بر آگاهی از فرایند تحقیقات مقدماتی

اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده در فرایند تحقیقات و قرار دادن وی در جریان تحقیقات در مواد مختلف قانون آیین دادرسی پیش‌بینی شده است. به‌عنوان مثال در مواردی که ضمن تحقیقات، جرم دیگر کشف می‌شود که با شکایت شاکی قابلیت تعقیب دارد، براساس تبصره ماد ۹۹، مراتب توسط دادستان به‌نحو مقتضی به اطلاع بزه‌دیده می‌رسد که این ماده چنین مقرر داشته است: «چنانچه جرم کشف‌شده با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به‌نحو مقتضی به اطلاع بزه‌دیده می‌رسد». مبتنی بر سایر اوراق پرونده و به‌موجب ماده ۱۰۰ قانون پیش‌گفته، شاکی می‌تواند در تحقیقات حضور یابد و از صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند یا با هزینه خود از آن‌ها تصویر یا رونوشت بگیرد.

در این مورد گفته‌شده آگاهی‌بخشی به بزه‌دیده درخصوص روند ثبت و پیشرفت پرونده به آن معناست که مقام‌های عدالت کیفری وی را فراموش نکرده‌اند و فقط به جنبه عمومی جرم نظر نداشته‌اند. به بیان دقیق‌تر، آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از اتهام یا اتهام‌های وارده بر متهم، تاریخ و مکان تحقیقات و رسیدگی، اطلاع از استماع اظهارات گواهان، شرایط تعلیق تعقیب متهم، نوع قرارهای نظارت قضایی یا تأمین کیفری، آخرین اخبار از متهم فراری و سایر جزئیات پرونده ازجمله مهم‌ترین موضوعاتی هستند که باید بزه‌دیده از آن‌ها مطلع باشد، تا در موارد ضرورت اقدامات مقتضی مانند امکان طرح اعتراض را داشته باشد (توجهی، ۱۳۷۷: ۱۸۴).

۱۱. حق بزه‌دیده بر تأمین جبران خسارت

دعاوی کیفری هرچند جهت تعقیب مرتکب جرم و مجازات وی برای برگرداندن نظم عمومی مختل شده و تسکین آلام بزه‌دیده شکل گرفته و ادامه می‌یابد؛ اما در فرایند کیفری، اقداماتی تمهیدی برای جلوگیری از زیان‌های بیشتر و تأمین و حفظ اموال مرتکب برای جبران خسارت بزه‌دیده در صورت صدور حکم نهایی و لازم‌الاجرا در راستای ادعای وی پیش‌بینی شده که در صورت وجود ادله کافی در احراز وقوع و انتساب، مرجع قضایی در مواردی رأساً و در مواردی به درخواست بزه‌دیده از این نهادهای تمهیدی استفاده می‌نماید. این نهادها یکی تأمین خواسته کیفری و دیگری قرار تأمین کیفری است که به‌صورت جداگانه بررسی می‌شود.

۱۱-۱. قرار تأمین خواسته کیفری

تأمین در لغت ازجمله به معنای «ایمن کردن، حفظ کردن، امن کردن ...» آمده است (معین، ۱۳۸۴: ۲۸۵). مفهوم حقوقی بر معنای لغوی مزبور انطباق دارد. پس «تأمین خواسته» به معنای حفظ کردن و در امنیت قرار دادن خواسته است؛ بدین معنا که خواهان می‌تواند، از همان ابتدا با بازداشت خواسته دعوا، آن را در امنیت قرار دهد، به گونه‌ای که نه تنها خوانده نتواند آن را نقل و انتقال داده، جابه‌جا یا مخفی کرده (در مورد وجوه نقد و اموال منقول) یا ... بلکه از دسترس سایر بستانکاران خوانده نیز خارج می‌شود؛ اما تأمین «خواسته» نه تنها خواسته را به شیوه مزبور «حفظ» می‌کند، بلکه معمولاً ازجمله خوانده را از به‌کارگیری اموال بازداشت‌شده (اموال منقول و وجوه نقد) محروم می‌کند و در نتیجه انگیزه او را در تأخیر در ادای حق خواهان به حداقل می‌رساند؛ پیامدی که می‌تواند خوانده را در همان ابتدا در برابر دعوا و موضع حق خواهان به تسلیم و سازش وادار کرده و اختلاف را فصل کند (شمس، ۱۳۹۴: ۴۱۳). مطالب پیش گفته گرچه در مورد تأمین خواسته حقوقی بیان شده، اما در مورد تأمین خواسته کیفری نیز جاری است.



تأمین خواسته کیفری که در ماد ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند. تبصره: چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شود، بازپرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار دهد». این تأمین از آن جهت مهم و در راستای حمایت از بزه‌دیده است که از زمان طرح شکایت بزه‌دیده تا صدور حکم نهایی و لازم‌الاجرا، فاصله زمانی وجود دارد که در این فاصله، امکان از دسترس خارج شدن اموال مرتکب جرم را محتمل می‌کند و با تأمین خواسته کیفری، اموال مرتکب جهت جبران خسارت نهایی حفظ شده و در زمان اجرای حکم نهایی قابل استفاده باشد (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۷۸).

۱۱-۲. قرارهای تأمین کیفری

قرار یا قاطع دعوا است و یا تصمیمی است که برای آماده‌سازی دعوا اتخاذ می‌شود. چنانچه قرار سبب خارج شدن دعوا از چرخه رسیدگی و یا انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر شود، قرار نهایی و چنانچه برای مهیا شدن لوازم و مقدمات رسیدگی یا در دسترس بودن متهم و جلوگیری از فرار او صادر شود قرار مقدماتی، اعدادی و یا تمهیدی گفته می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۲۱)؛ اما مقنن در صدر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از اهداف و جهات صدور قرار تأمین کیفری را تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان دانسته است.

۱۱-۲-۱. حق بزه‌دیده در تعیین نوع قرارهای نهایی

بزه‌دیده در فرایند کیفری به‌ویژه در تحقیقات مقدماتی می‌تواند با به‌کارگیری حق پیگیری و گذشت خود که در جرائم دارای حیثیت خصوصی و قابل‌گذشت مؤثر است وضعیت و نوع قرار نهایی صادره را تغییر دهد.

۱۱-۲-۲. حق گذشت بزه‌دیده

جرائم در حقوق ایران دارای جنبه الهی (این جنبه غیر از جنبه حق‌اللهی بوده که در مورد حدود به‌کار می‌رود) بوده و دارای دو حیثیت است از جمله حیثیت عمومی و حیثیت خصوصی که در ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است.

و در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری با این تعبیر که: «تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.»

ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود».

تبصره: تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است. در صدر ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی نیز بدین مهم اشاره شده است.

۱۱-۲-۳. حق بزه‌دیده بر ترک دعوا

بزه‌دیده در جرائم قابل گذشت علاوه بر امکان گذشت که موجب مختومه شدن کلی پرونده می‌شود و می‌تواند بدون گذشت و صرفاً با درخواست ترک دعوا، ادامه تعقیب را متوقف کند و در صورت عدم جبران خسارت یا عدم انجام تعهدات مرتکب، می‌تواند تا یک سال برای یکبار درخواست تعقیب مجدد را مطرح کند.

«در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یکبار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.» این مهلت یک‌ساله تعقیب مجدد در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری وجود نداشت که برای جلوگیری از لوٹ شدن نهاد موصوف و سوءاستفاده‌های احتمالی از این نهاد حمایتی موجه است.



۱۱-۲-۴. حق بزه‌دیده بر تعقیب مجدد

با توجه به این واقعیت که مرتکبان جرائم معمولاً به دنبال از بین بردن آثار و ادله جرم هستند ممکن است در فرایند کیفری، ادله کافی از سوی بزه‌دیده ارائه نشده و تحقیقات مقام تحقیق نیز منجر به تحصیل دلیل نشود و در پایان تحقیقات، مقام تحقیق، قرار منع پیگرد به جهت عدم کفایت یا فقدان ادله در احراز تحقق یا انتساب بزه صادر کند و این قرار با فرض اعتراض یا عدم اعتراض شاکی قطعیت یابد که با لحاظ قاعده اعتبار امر مختوم کیفری، قابلیت رسیدگی مجدد ندارد؛ اما در ماده ۲۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری، تعقیب مجدد را در مورد قرارهای منع پیگرد قطعیت یافته در دادسرا و یا در دادگاه با شرایط پذیرفته است: «هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند؛ در توضیح این ماده قانونی باید گفت قرار منع تعقیبی که به دلیل عدم کفایت یا فقدان دلیل صادر می‌شود دارای اعتبار امر مختوم نسبی بوده نه مطلق و قرینه نسبی بودن آن، حق بزه‌دیده بر ارائه دلیل جهت تعقیب مجدد متهم است.

۱۱-۲-۵. حق بزه‌دیده بر اعتراض به قرارها و تصمیمات قضایی

اعتراض به آرا در امور کیفری و حقوقی به دو روش عادی و فوق‌العاده صورت می‌گیرد که روش عادی در امور کیفری شامل واخواهی، تجدیدنظر (پژوهش) و فرجام بوده و در امور حقوقی شامل واخواهی و تجدیدنظر (پژوهش) است ضمن این که طرق فوق‌العاده در امور کیفری شامل اعاده دادرسی و اعتراض موضوع ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری از طریق رئیس قوه قضائیه است. ضمن این که در امور حقوقی، فرجام، اعاده دادرسی و اعتراض شخص ثالث است.

❖ به طریق عادی

در قانون آیین دادرسی کیفری، بزه‌دیده به‌عنوان شاکی، در موارد متعدد به‌عنوان شاکی حق اعتراض نسبت به قرارهای صادره در فرایند تحقیقات مقدماتی را دارد و این موارد معمولاً در مواردی است که به‌نوعی تصمیم قضایی به حقوق بزه‌دیده خدشه وارد کرده و یا مسیر ادامه تحقیقات و دادخواهی را مسدود می‌کند که این موارد شامل قرارهای منع پیگرد، موقوفی تعقیب و اناطه دربند الف ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. «این‌که قانون‌گذار در سه مورد مذکور برای بزه‌دیده حق اعتراض مقرر کرده است، کاملاً توجیه پذیر است. [چراکه] قرار منع و موقوفی تعقیب در عمل ادامه مسیر شکایت و امید بزه‌دیده را برای دادخواهی مسدود می‌کنند و قرار اناطه نیز مسیر رسیدگی به شکایت را مشغول پیچ‌وخم‌های نظام قضایی می‌کند و موجب طولانی شدن فرایند تحقیقات مقدماتی می‌شود» (اختری و مؤذن زادگان، ۱۳۹۸: ۶۷).

البته افزون بر موارد پیش‌گفته، بزه‌دیده به‌عنوان شاکی، در مواد متعدد دیگری از قانون آیین دادرسی کیفری، حق اعتراض به قرارها را دارد از جمله در مورد قرار عدم دسترسی در ماده ۱۰۰ و در مورد توقف تحقیقات در ماده ۱۰۴ ضمن این‌که به شرح ماده ۲۷۳ قانون موصوف در صورت تأیید قرارهای منع پیگرد و موقوفی تعقیب در دادگاه صالح که کیفری و یا نظامی یک است، حق فرجام نیز پیش‌بینی شده است.

شایان‌ذکر است تصمیم دادگاه صالح حسب مورد در رسیدگی به اعتراض نسبت به قرارهای منع پیگرد و موقوفی تعقیب صادره در دادسرا قطعی است به‌جز در مورد قرارهای منع پیگرد و موقوفی تعقیب در جرائم مندرج دربند الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی که وفق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۵ علی‌رغم ذکر قابل‌تجدید نظر بودن در ماده موصوف به قابل فرجام بودن این قرارها در دیوان عالی کشور تغییر یافته است که از تاریخ صدور رأی در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. ضمناً بزه‌دیده به‌عنوان شاکی در مراحل بالاتر و همچنین در فرض ارائه دادخواست به‌عنوان مدعی خصوصی، دارای حق اعتراض است.



❖ به روش‌های فوق‌العاده

روش‌های فوق‌العاده اعتراض برای پس از قطعیت قرارها و احکام پیش‌بینی شده و در مورد قرارهای مرحله تحقیقات در ماده ۴۷۷ با این شرح، این حق برای بزه‌دیده به‌عنوان شاکی پیش‌بینی شده «در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر کند. شعب خاص مذکور مبنیاً برخلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند» و در تبصره همین ماده بر شمول حکم بر قرارهای دادسرا تأکید شده است.

۱۲. حمایت‌های حقوقی از بزه‌دیدگان در مرحله محاکمه یا دادرسی

در مرحله دادرسی یا محاکمه که مقررات قانونی نظام حقوقی ایران بر مبنای نظام دادرسی اتهامی است بزه‌دیده به‌عنوان شاکی یا مدعی خصوصی در فرایند کیفری می‌تواند در دادگاه کیفری دو که دارای صلاحیت عام است، دادگاه کیفری یک و دادگاه‌های اختصاصی نظامی یک و دو از حقوقی برخوردارند که این حقوق با توجه به نظام دادرسی حاکم بر مرحله دادگاه تا حدودی با مرحله تحقیقات مقدماتی که تابع نظام تفتیشی است متفاوت است.

۱-۱۲. حق داشتن وکیل

بزه‌دیده به‌عنوان شاکی یا مدعی خصوصی در مرحله محاکمه می‌تواند، دارای وکیل یا وکلایی باشد و وکیل یا وکلای خود را معرفی کند و تعداد وکیل قابل معرفی در دادگاه کیفری و نظامی دو حداکثر دو نفر بوده که در دادگاه کیفری یا نظامی یک، به سه نفر افزایش یافته و در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنها برای دادرسی، کافی اعلام شده است که این موارد در مواد ۳۴۶ و ۳۸۵ مقرر شده است و در تبصره ماده ۳۴۷ قانون موصوف در صورتی که دادگاه حضور دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند وفق

مقررات برای بزه‌دیده وکیل تعیین می‌کند که «تعیین وکیل برای بزه‌دیده فاقد تمکن مالی به تشخیص دادگاه واگذار شده که بهتر بود دادگاه‌ها در این زمینه مکلف می‌گردیدند» (کوشا و پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۳۸).

ضمن این‌که به‌موجب ماده ۶۴۸ قانون موصوف، در مواردی که برای دادرسی نیروهای مسلح دادرسی، مقررات ویژه‌ای وجود ندارد، موضوع تابع مقررات عمومی است که در بخش هشتم قانون آیین دادرسی تحت عنوان آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح به‌موجب مواد ۶۲۵ و ۶۲۶ قانون موصوف، در جرائم علیه امنیت و یا در مواردی که پرونده دارای اسناد و اطلاعات سری و به‌کلی سری است و همچنین در دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، طرفین باید وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح انتخاب کنند ضمن این‌که به‌موجب ماده ۶۲۶ وکلای دارای تابعیت خارجی نمی‌توانند برای دفاع در دادگاه‌های نظامی حاضر شوند مگر این‌که در تعهدات بین‌المللی به موضوع تصریح شده باشد.

۱۲-۲. حق مطالبه دیه و خسارت بدون توجه به نتیجه پرونده کیفری

در پرونده‌های کیفری، روند مطالبه دیه بزه‌دیدگان که به‌عنوان شاکی اعلام شکایت کرده‌اند هم‌زمان با اصل موضوع پیش می‌رود و بزه‌دیده می‌تواند اسناد و مدارک خود در مورد خسارت‌های احتمالی غیر از دیه را پیوست پرونده کند و پس از اتخاذ تصمیم در دادسرا با صدور قرار جلب به دادرسی و تنظیم کیفرخواست، بزه‌دیده در دادگاه باید تا پایان اولین جلسه دادرسی با تقدیم دادخواست حقوقی و رعایت شرایط پرونده حقوقی به‌عنوان مدعی خصوصی مطالبه خسارت نماید و شرایط لازم برای این موضوع در مواد آیین دادرسی کیفری آمده است؛ اما در مواردی پرونده کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی به علل قانونی مختومه می‌شود که مقنن جهت حمایت از بزه‌دیده بدون طرح پرونده اصلی در دادگاه در برخی موارد، طرح موضوع جهت صدور حکم از سوی دادگاه در مورد پرداخت دیه یا خسارت را مورد بزه‌دیدگان عادی به شرح ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن و در



مورد بزه‌دیدگان ناشی از جرائم نیروهای مسلح به شرح ماده ۶۳۱ قانون موصوف پذیرفته است.

۱۲-۳. حق مطالبه دیه وفق ماده ۸۵

در مواردی در فرایند کیفری، پرونده در مورد اصل جرم با قرار موقوفی تعقیب و یا هر نوع تصمیم دیگر به نوعی مختومه می‌شود به جهت حمایت از بزه‌دیده و قرار ندادن وی در پیچ‌وخم‌های تشکیل پرونده حقوقی، مقنن به موجب ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن پذیرفته است تا پرونده جهت تعیین تکلیف دیه به دادگاه ارسال شود. این وضعیت فقط در مورد دیه در مواردی که باید در مورد دیه و تعیین مسئول پرداخت اتخاذ تصمیم شود و یا دیه توسط عاقله و یا از بیت‌المال پرداخت می‌شود، کاربرد دارد.

۱۲-۴. حق مطالبه خسارت و دیه وفق ماده ۶۳۱

تأسیسی که در ماده ۸۵ و تبصره‌های آن در مورد بزه‌دیدگان عادی یا خاص راجع به تعیین تکلیف دیه بزه‌دیده پیش‌بینی شده در مورد بزه‌دیدگان جرائم نیروهای مسلح اعم از عام و خاص به صورت گسترده‌تری در مورد تعیین تکلیف خسارت و دیه، بدون تقدیم دادخواست ضرر و زیان در ماده ۶۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است؛ که این حکم ماده شرایط خاصی دارد از جمله این که در پرونده در مورد اتهام مأموران قرار منع پیگرد صادر شده باشد، بزه‌دیده مقتول، مجروح و یا خسارت‌دیده بی‌گناه باشد که مقنن جهت حمایت از بزه‌دیدگان، مسئولیت پرداخت دیه و خسارت به بزه‌دیده را بدون تقدیم دادخواست متوجه یگان مأمور مربوطه دانسته است. پیش‌بینی این نهاد که تأسیس جدیدی بوده و از جهت افتراقی بودن مقررات آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح نیز قابل توجیه است؛ اما از جهت تعارض با پیش‌بینی تأسیس مشابه صرفاً در مورد پرداخت دیه سایر بزه‌دیدگان فارغ از پرداخت خسارت و این که قاعده دادرسی حقوقی با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی را تغییر داده و مقررات قانونی را در مورد موضوع واحد دارای دوگانگی می‌کند، قابل نقد است.

۱۲-۵. حق درخواست غیرعلنی بودن دادگاه

علنی بودن دادگاه یکی از حقوق متهمان از طریق عدم منع از حضور عموم در جلسات دادرسی و نظارت افکار عمومی در رعایت حقوق آنان در فرایند دادرسی دنبال شده که در مورد متهمان سیاسی نیز علنی بودن و حضور هیئت منصفه از شرایط رسیدگی است؛ اما بزه‌دیده به‌عنوان شاکی این حق را دارا است که با توجه به شرایط خود، درخواست غیرعلنی بودن دادگاه را بنماید و این حق در اصل ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شده است چراکه در این ماده مقرر شده «محاکات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند».

۱۲-۶. حق اعلام مطالب نهایی قبل از اعلام ختم دادرسی

آخرین دفاع در فرایند دادرسی کیفری یکی از حقوق متهم بوده که می‌تواند با عدم حضور برای ارائه آخرین دفاع از استفاده از این حق خودداری کند که در کنار متهم، این حق برای بزه‌دیده به‌عنوان شاکی یا مدعی خصوصی پذیرفته شده که قبل از اعلام ختم دادرسی، مطالب نهایی خود را جهت احقاق حق بیان کند.

اعلام مطالب نهایی به‌حدی مهم بوده که به‌عنوان آخرین دفاع برای متهم و همچنین بزه‌دیده به‌عنوان شاکی یا مدعی خصوصی این حق در ماده ۳۷۱ برای بزه‌دیده پیش‌بینی شده است.

۱۲-۷. حق اعتراض به آراء دادگاه

همان‌طور که در مرحله تحقیقات مقدماتی، حق اعتراض به قرارها برای بزه‌دیده به‌عنوان شاکی پیش‌بینی شده بود در مرحله دادرسی نیز این حق برای وی به‌عنوان یکی از طرفین دعوا پیش‌بینی شده است که به‌شرحی که پیش‌تر گفته شد به‌صورت عادی اعم از تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی و فوق‌العاده از طریق اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری صورت می‌گیرد.



این حق در بند ب ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری برای بزه‌دیده اعم از شاکی یا مدعی خصوصی و یا وکیل یا نماینده قانونی آنان در کنار محکوم‌علیه وی و دادستان پیش‌بینی شده است. تنها استثنایی که وجود دارد این است که نهاد اعاده دادرسی صرفاً در مورد محکوم‌علیه قابل‌اعمال است و واخواهی نیز در فرض محکومیت متهم، برای متهم که در جلسات دادرسی حاضر نبوده، لایحه نفرستاده و وکیل نیز نداشته جاری است.

۸-۱۲. حق اعلام ایرادات شکلی و نقص تحقیقات قبل از شروع دادرسی اصلی

پس از صدور کیفرخواست در دادسرا و یا صدور قرار رسیدگی در مورد طرح پرونده جهت رسیدگی مستقیم در دادگاه در موارد خاص در فرایند کیفری، به طرفین و وکلای آنان از جمله بزه‌دیده به‌عنوان شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود تا ظرف ده روز، کلیه ایرادات شکلی و یا موارد نقص را به دادگاه اعلام کند که این حق برای بزه‌دیده در ماده ۳۸۸ به رسمیت شناخته شده تا از این طریق بهتر بتواند در راستای توجیه حقوق از دست‌رفته خود پیش رود و با تکمیل تحقیقات قبل از شروع دادرسی اصلی با اعلام ایراد از اطاله دادرسی اصلی جلوگیری و هم در پایان رسیدگی، صدور حکم به نفع خود را آسان‌تر نماید. البته همین توجیه‌ها برای اعلام ایراد متهم نیز قابل‌ذکر است.

۹-۱۲. تأثیر اراده شاکی در جرائم غیرقابل‌گذشت پس از قطعیت حکم

همان‌طور که گفته شد در جرائم قابل‌گذشت، تعقیب موضوع با اراده بزه‌دیده به‌عنوان شاکی آغاز و تعقیب آغازشده، متوقف نمی‌شود مگر با اراده و گذشت شاکی؛ اما اراده شاکی در جرائم غیرقابل‌گذشت در فرایند دادرسی و اجرای حکم نیز بی‌تأثیر نیست؛ چراکه پس از تأثیر دادن گذشت شاکی در مراحل تعقیب و محاکمه به‌عنوان مبنایی برای تخفیف مجازات با پذیرش «گذشت شاکی» به‌عنوان یکی از جهات تخفیف مجازات، پس از قطعیت حکم و در مرحله اجرای حکم نیز این موضوع به‌عنوان مبنای نهاد ارفاقی در ماده ۴۸۳ قانون آیین

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی قرار گرفته که می‌تواند موجبات تخفیف یا تبدیل مجازات محکوم را فراهم آورد. این حق برای بزه‌دیده اعم از شاکی یا مدعی خصوصی که حکم به نفع وی صادر شده و در این مرحله محکوم‌له نام دارد وی را در فرایند عدالت ترمیمی به‌گونه سازش قرار می‌دهد تا سریع‌تر به خسارت‌های خود دست یابد.

۱۳. حمایت‌های حقوقی از بزه‌دیدگان در مرحله اجرای حکم

مقنن ایرانی حمایت‌های حقوقی از بزه‌دیدگان را به مرحله اجرای حکم نیز گسترش داده که گرچه بعضی از آن‌ها مدت مدیدی است در قوانین وجود دارند؛ اما بعضی از آن‌ها در راستای گرایش‌های بزه‌دیده شناسانه وارد قوانین شده و در حال اجرا است.

۱۳-۱. غیرقابل انتفاع بودن حقوق شاکی در اثر موقوف شدن مجازات

بزه‌دیده که به‌عنوان شاکی یا مدعی خصوصی در فرایند کیفری قرار گرفته و منجر به ادامه تعقیب شده، اما به هر دلیل اعم از معافیت از مجازات، فوت و ... تعقیب کیفری متهم متوقف شده اما این موضوع مبنای انتفاع حقوق شاکی یا مدعی خصوصی نبوده و فرایند دادرسی در جهت احقاق حقوق آن‌ها اعم از دیه و خسارت ادامه می‌یابد؛ که حکم کلی این موضوع در ماده ۵۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مورد نظر مقنن بوده است؛ ضمن این‌که تنها مانع برای عدم پرداخت خسارت مدعی خصوصی که در اثر جرم حاصل شده، نسخ مجازات قانونی است؛ چراکه نسخ مجازات قانونی تمامی آثار کیفری جرم را از بین می‌برد.

۱۳-۲. مؤثر بودن اراده بزه‌دیده به‌عنوان محکوم‌له در مرخصی محکوم

تأثیر دادن نظر بزه‌دیده در مرحله اجرای مجازات حبس برای احقاق سریع‌تر حقوق وی و رسیدن به عدالت ترمیمی واقعی در راستای حمایت از بزه‌دیده بوده که از آن می‌توان به مصداقی از حمایت‌های حقوقی ممکن تعبیر کرد.



موضوع تأثیر اراده بزه‌دیده در مرخصی محکوم در تبصره ۳ ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری با اصلاحات و الحاقات بعدی مورد حکم قرار گرفته است.

از آنجاکه مرخصی زندانیان براساس مقررات قانونی به‌صورت ماهانه و حداکثر به مدت سه روز در نظر گرفته شده است؛ اما در شرایطی که محکوم‌علیه بخواهد از این طریق در جلب رضایت بزه‌دیده تلاش کند. مرخصی وی یک نوبت دیگر و حداکثر به مدت هفت روز علاوه بر مرخصی معمول تمدید می‌شود و اگر در این مدت بتواند بخشی از خسارت بزه‌دیده را پرداخت کند، مرخصی وی برای یک‌بار دیگر به مدت هفت روز تمدید می‌شود؛ که با این شرایط، بزه‌دیده در فرایند عدالت ترمیمی از گونه سازش قرار می‌گیرد تا در جبران خسارت وی تسریع شود که اقدام مقنن در فراهم کردن شرایط عدالت ترمیمی، نوعی حمایت حقوقی است.

۱۳-۳. حق تقدم بزه‌دیده به‌عنوان شاکی در دریافت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم از قرار تأمین کیفری نسبت به حقوق سایر اشخاص

دیون ممتاز به‌معنای دیونی است که در صورت عدم‌کفایت دارایی مدیون برای پرداخت کامل دیون، بعضی از موارد در اولویت پرداخت هستند. دیون ممتاز در قانون اجرای احکام مدنی، قانون مدنی و قانون امور حسبی ذکر شده و برای پرداخت نسبت به سایر دیون، اولویت دارند و مواردی ازجمله حقوق کارگر، نفقه و مهریه زن و ... با شرایط خاص ازجمله دیونی است که بر سایر دیون بدهکار مقدم هستند.

قرار تأمین کیفری که در فرایند کیفری برای متهمی که ادله کافی در وقوع و انتساب بزه به وی وجود دارد، صادر می‌شود و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز دسترسی به متهم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان مبنای صدور قرار تأمین اعلام شده، در فرض محکومیت متهم، جبران ضرر و زیان از محل تأمین موصوف نسبت به سایر حقوق ازجمله حقوق دولتی مقدم بوده و دارای اولویت است.

این حق تقدم در ماده ۵۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده و در صورت تخلف از مقررات تأمین و ضرورت ضبط تأمین به نفع دولت، دیه و ضرر و زیان بر حقوق دولتی مقدم بوده و ابتدا این موارد وصول و مازاد به نفع دولت ضبط می‌شود.

۱۳-۴. حق مطالبه هزینه‌های دادرسی در تمامی مراحل فرایند کیفری

ضرر و زیان ناشی از خسارات دادرسی به معنای اعم-شامل هزینه‌های دادرسی، کارشناسی، حق‌الوکاله وکیل و اخص هزینه شکایت کیفری به شخص بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری قابل مطالبه است و این مطالبه در فرایند کیفری نیازمند تقدیم دادخواست نیست؛ چراکه ظاهر مواد قانونی ازجمله مواد ۵۶۲ الی ۵۶۴ دلالت بر رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی ازجمله تقدیم دادخواست ندارد، گرچه در پرونده‌های کیفری که بزه‌دیده به‌عنوان مدعی خصوصی، دادخواست تقدیم می‌کند، می‌تواند تمامی خسارت‌های پرونده کیفری را نیز مطالبه کند.

امکان مطالبه هزینه دادرسی در ماده ۵۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده و به «مطالبه تمام هزینه‌های پرداخت‌شده دادرسی را از مدعی علیه طبق مقررات» اشاره شده که مفید خسارات دادرسی به معنای اعم است.

۱۳-۵. حق اعلام شاکی یا مدعی خصوصی در ارتکاب جرم یا تخلف متهم یا محکوم‌علیه

در نهادهای ارفاقی که در قانون مجازات اسلامی برای متهم یا محکوم‌علیه پیش‌بینی شده، اراده بزه‌دیده در اعمال و به‌کارگیری این نهادها مؤثر است؛ چراکه در ماده ۳۸ قانون موصوف، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران از جهات تخفیف اعلام‌شده است و در مواد بعدی ازجمله ۴۰، ۴۶ و ۶۲ این قانون «جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران» از شرایط نهادهای تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و



سامانه نظارت الکترونیکی هستند. ضمن این‌که در ماده ۵۸ از قانون مذکور جبران خسارت بزه‌دیده یا برقراری ترتیبات جبران، پیش‌شرط اعمال نهاد آزادی مشروط است.

هرچند این نهادها در قانون ماهوی پیش‌بینی شده‌اند اما در ماده ۵۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری در زمان اجرای این نهادها در مورد متهم یا محکوم‌علیه، حقی برای بزه‌دیده اعم از شاکی یا مدعی خصوصی پیش‌بینی شده تا ارتکاب جرم و یا تخلف متهم یا محکوم‌علیه را از شرایط نهادهای به‌کار گرفته‌شده و یا دستورهای دادگاه یا قاضی اجرای احکام اعلام تا ضمانت اجراهای مربوطه در مورد آنان لحاظ شود که این حق می‌تواند در جبران خسارت‌های مادی و معنوی بزه‌دیده مؤثر باشد.

قرار گرفتن متهم و محکوم‌علیه در این ماده‌قانونی در کنار یکدیگر و در زمان اجرای حکم، به این دلیل است که با صدور قرار تعویق صدور حکم در جرائم درجه شش تا هشت، متهم با تعویق صدور حکم در مورد وی، در همان حالت قبلی خود، یعنی متهم بودن باقی‌مانده و به محکوم تبدیل نمی‌شود و در صورت رعایت شرایط تعویق صدور حکم و عدم ارتکاب جرائم با لحاظ شرایط و میزان پابندی به اجرای دستورهای دادگاه، دادگاه در مورد وی، حکم محکومیت یا معافیت از کیفر صادر می‌کند.

۱۳-۶. حمایت حقوقی در سایر قوانین

اگرچه حمایت‌های حقوقی از بزه‌دیدگان که به‌عنوان حمایت‌های آیین دادرسی نیز از آن‌ها یاد می‌شود، معمولاً در قوانین شکلی وضع می‌شوند؛ اما در قوانین ماهوی نیز دیده می‌شود که به مواردی از این «حمایت‌های آیین دادرسی» در قوانین ماهوی که به تعیین ارکان خاص جرائم می‌پردازند، اشاره می‌شود و جهت جلوگیری از تطویل کلام در این نوشتار، فقط به ماده مربوطه در قانون موصوف اشاره می‌شود.

کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی در تبصره ۱ ماده ۶۹۰ قانون موصوف که ذیل فصل بیست و ششم در ارتباط با «هتک حرمت منازل و املاک غیر» است، تکلیفی برای مرجع قضایی درخصوص رسیدگی خارج از نوبت

و دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز تا صدور حکم قطعی تعیین شده که هر دو عنوان در شمول «سازوکار آیین دادرسی» بوده اما در قانون ماهوی آمده است.

۱۳-۲. قانون اسیدپاشی

در قانون موصوف که یک قانون ماهوی است، مواردی از حمایت‌های آیین دادرسی از جمله «رسیدگی خارج از نوبت» در کنار سایر حمایت‌های کیفری، مادی، مالی، حیثیتی و عاطفی دیده می‌شود. البته شایان ذکر است که عنوان قانون موصوف «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن است».

۱۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همچنان‌که مشخص شد، بازیابی خسارت‌ها و حقوق از دست‌رفته بزه‌دیده در اثر ارتکاب جرم در فرایند عدالت کیفری نیازمند برخورداری از حقوق شکلی همچون وکیل یا مشاور حقوقی الزامی برای شاکی یا بزه‌دیده پس از وقوع بزه و شروع فرایند کیفری، رایگان شدن کامل دادرسی کیفری و حقوقی تبعی برای ساده و روان‌سازی دستیابی به حقوق ضایع شده بزه‌دیده در مراحل مختلف دادرسی و ایجاد امکان اعاده دادرسی از تصمیمات نهایی به زیان بزه‌دیده در صورت منجر به نتیجه نشدن فرایند دادرسی کیفری در دادرسی ابتدایی است.

در نظام حقوقی ایران با وجود این‌که از زمان تصویب قوانین آیین دادرسی کیفری، بعضی از حقوق برای بزه‌دیده تعریف شده و در قوانین جدید قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حقوق دیگری از جمله به رسمیت شناخته شدن سمت بزه‌دیدگی در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، رایگان شدن هزینه‌های دادرسی در ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ... در نظر گرفته شده است که این موارد در سیاست جنایی تقنینی قابل تحسین است؛ اما تا رسیدن به قله نهایی که می‌توان از آن به‌عنوان «عدالت کیفری بزه‌دیده مدار» یاد کرد، فاصله داریم.



در راه رسیدن به نقطه فوق‌الذکر باید ابتدا در جهت هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و بزه‌کار حرکت کرده و از سیاست جنایی قضایی از طریق تسهیل استفاده از مقررات شکلی مندرج در قوانین با تفکیک نهادهای مربوط به متهمان و بزه‌دیدگان و سیاست جنایی مشارکتی از طریق پیش‌بینی انجمن‌ها و صندوق‌های مرتبط در قوانین به‌ویژه قانون آیین دادرسی کیفری در راستای حمایت حقوقی بهره‌برد و با الزامی کردن تعیین وکیل برای بزه‌دیدگان بمانند متهمان در مراحل مختلف دادرسی با لحاظ نوع جرم، حمایت رایگان جامع و دربرگیرنده همه هزینه‌های دادرسی حقوقی ناشی از جرم برای بزه‌دیدگان و فراهم آوردن امکان اعاده دادرسی از تصمیمات نهایی به زیان بزه‌دیده، چالش‌های عدم دستیابی به حقوق بزه‌دیدگان را منتفی کرده و به قله مطلوب برسیم.

ضمن این‌که نظام‌مند و منسجم کردن این نوع حمایت‌ها از طریق تجمیع آن‌ها در فصلی از قانون آیین دادرسی کیفری و افزودن حقوق یا تسهیلات حمایتی افتراقی برای بزه‌دیدگان خاص نسبت به بزه‌دیدگان عام - همچون مقررات مواد ۷۰ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری - لازم است، تا استفاده و به‌کارگیری آن‌ها در احقاق حقوق بزه‌دیدگان در فرایند کیفری آسان و بدون مانع شود.

در ادامه پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

✓ رسیدگی خارج از نوبت در فرایند دادرسی کیفری با تعیین ضابطه نوعی و شخصی؛

✓ توسعه استفاده از نهاد عدالت ترمیمی در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی جهت جبران خسارت ناشی از جرم؛

✓ ایجاد الزام برای رسیدگی سریع‌تر پرونده‌های کیفری و حقوقی ناشی از جرم جهت دستیابی بزه‌دیده به حقوق از دست‌رفته.

فهرست منابع

- آشوری، محمد؛ خدادادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰). حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری، دو فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۲.
- اختری، عباس؛ مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۸). جایگاه بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۶.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۷). جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ایران، تهران، ایران.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی ویوش، مهشید (۱۳۹۵). جلوه‌های رویکرد حمایتی نسبت به بزه‌دیدگان، ماهنامه شباک، دوره ۲، شماره ۲.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۷). بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در سیاست جنایی تقنینی ایران، مجله حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۹.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳). سه گفتار تطبیقی در بزه‌دیده‌شناسی: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۹۲، ۴۶-۱۷۴.
- _____ (۱۳۸۴). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران، چاپ اول، نشر دادگستر.
- _____ (۱۳۹۸). بزه‌دیده‌شناسی (درس گفتارهای تألیفی)، چاپ دوم، تهران، نشر شهر دانش.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد اول، چاپ سی و هفتم، تهران، ایران، انتشارات دراک.
- _____ (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد دوم، چاپ سی و هفتم، تهران، ایران، انتشارات دراک.
- _____ (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد سوم، چاپ سی و هفتم، تهران، ایران، انتشارات دراک.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ایران.
- _____ (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ایران.



- عبد الفتاح، عزت (۱۳۷۱). ترجمه نجفی ابرندآبادی، علی حسین و خطاطان، سوسن، از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزهدیده، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳، ۱۱۲-۸۶
- فیلیزولا، ژینا؛ ژرار، لیز (۱۳۷۹). *بزهدیده و بزهدیده‌شناسی*، ترجمه کرد علیوند، روح الدین و محمدی، احمد، چاپ نخست، تهران، انتشارات مجد.
- کوشا، جعفر؛ پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۴). *توازن میان حقوق متهم و بزهدیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۷.
- لاریجی، جان (۱۳۷۸). *آیین دادرسی کیفری فرانسه*، ترجمه حسن کاشفی، چاپ نخست، تهران، انتشارات گنج دانش.
- معین، محمد (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی*، چاپ اول، تهران، ایران، نشر میکائیل.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳-۱۳۸۲). *تقریرات درس جرم‌شناسی*، دوره کارشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم.
- میر کمالی، سید علیرضا؛ حاجی‌زاده، نازنین (۱۳۹۸). *حمایت دولت از بزهدیدگان در زمینه تأمین هزینه دادرسی*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۵، ۲۰۹-۱۸۹.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با اصلاحات الحاقات بعدی.
- قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸.

References

- Alaa Al-Marjani. (2015). The conflict over Kirkuk: the real crisis is in Baghdad not in Erbil.
- Sean Kane. (2010). Finding Common Ground:Kirkuk as a Special Governorate,may ,United States Institute of Peace